

## متن خطبه غدیریه از کتاب الخصال شیخ صدوq «ره»

حدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنُ الْوَلِيدِ رضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسِينِ بْنِ أَبِي الْخَطَابِ، وَيَعْقُوبَ بْنَ يَزِيدَ جَمِيعاً، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ مَعْرُوفٍ بْنِ خَرَبَبُوذَ، عَنْ أَبِي الطَّفَيلِ عَامِرِ بْنِ وَاثِلَةَ، عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ أَسِيدِ الْغِفارِيِّ:

لَمَّا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ وَنَحْنُ مَعَهُ، أَمْرَ أَصْحَابَهُ بِالنُّزُولِ، فَنَزَّلَ الْقَوْمُ مَنَازِلَهُمْ، ثُمَّ نُودِيَ بِالصَّلَاةِ، فَصَلَّى بِأَصْحَابِهِ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ أُقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْهِمْ فَقَالَ لَهُمْ:

الخصال - به نقل از حذیفه بن اسید -

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از حجّه الوداع بازگشت و ما با او بودیم ، آمد تا به جحفه رسید. سپس به اصحابش فرمان توقف داد. مردم نیز پیاده شدند . سپس نماز در داد و با اصحابش دو رکعت نماز خواند. سپس رو به آنان کرد و فرمود :

إِنَّهُ قَدْ نَبَأْنَا الْأَطِيفُ الْخَبِيرُ أَنِّي مَيْتٌ وَأَنَّكُمْ مَيْتُونَ، وَكَانَتِي قَدْ دُعِيْتُ فَأَجَبْتُ، وَإِنِّي مَسْؤُولٌ عَمَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ، وَعَمَّا خَلَفْتُ فِيْكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَحْجَتِهِ، وَأَنَّكُمْ مَسْؤُلُونَ عَمَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَعَمَّا خَلَفْتُ فِيْكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَحْجَتِهِ، وَأَنَّكُمْ مَسْؤُلُونَ فَمَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ لِرَبِّكُمْ؟

«همانا خدای ریزبین آگاه به من خبر داده است که من می میرم و شما نیز می میرید. گویا مرا فرا خوانده اند و اجابت کرده ام ، و از من، درباره آنچه برایتان آوردم و نیز آنچه از کتاب خدا و حجتش در میان شما بر جای نهادم، پرسیده می شود و نیز از شما پرسیده می شود . چه پاسخی برای پروردگار تان دارید؟»

قَالُوا: نَقُولُ: قَدْ بَلَغْتَ وَنَصَحتَ وَجَاهَدْتَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنَّا أَفْضَلَ الْجَزَاءِ.  
ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: إِلَّا سُتُّمْ تَشَهَّدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ،  
وَأَنَّ الْبَعْثَ بَعْدَ الْمَوْتِ حَقٌّ؟

سپس به آنان فرمود: «آبا گواهی نمی دهید که خدایی جز خدای یکتا نیست و من، فرستاده خدا به سوی شمایم و بهشت و دوزخ و برانگیخته شدن پس از مرگ، حقیقت دارد؟.»

فَقَالُوا: نَشَهِدُ بِذِلِكَ.

گفتند: بدانها گواهی می دهیم.

قال: اللَّهُمَّ اشْهَدْ عَلَى مَا يَقُولُونَ. إِنَّمَا أَشْهَدُكُمْ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا مَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ  
وَأَنَا أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ، فَهَلْ تَقْرِئُونَ [إِلَيْ] بِذِلِكَ وَتَشَهِّدُونَ لِي بِهِ؟

فرمود: «خدایا! بر آنچه می گویند، گواه باش. آگاه باشید که من شما را بر گواهی ام بر این که خداوند، مولای من است و من مولای هر مسلمانم و من به مؤمنان، از خود آنها سزاوارترم، گواه می گیرم! آیا برای من بدان اقرار می کنید و برای من بر آن گواهی می دهید؟.»

فَقَالُوا: نَعَمْ، نَشَهِدُ لَكَ بِذِلِكَ.

گفتند: آری، برای تو بدان گواهی می دهیم.

فَقَالَ: إِنَّمَا كُنْتُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ عَلِيًّا مَوْلَاهُ، وَهُوَ هَذَا.

فرمود: «آگاه باشید! هر که من مولای اویم، علی مولای اوست و او، این است.»

ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلَىٰ فَرَقَعَهَا مَعَ يَدِهِ حَتَّىٰ بَدَتْ آبَاطُهُمَا، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ وَالِّيْ مَنْ وَالِّيْهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَهُ،  
وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.

سپس دست علی علیه السلام را گرفت و با دست خود بلند کرد، تا آن جا که زیر بغل هایشان پیدا شد و آن گاه فرمود: «خدایا! دوستدارش را دوست و دشمنش را دشمن بدار و یاورش را یاری ده و فروگذارش را فرو گذار!

آلا وَإِنِّي فَرَطْكُمْ وَأَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَىٰ الْحَوْضَ [حَوْضِي] غَدَاءً، وَهُوَ حَوْضٌ عَرْضُهُ مَا بَيْنَ بُصْرَيِّ  
وَصَنْعَاءِ، فِيهِ أَقْدَاحٌ مِنْ فِضَّةٍ، عَدَادُ نُجُومِ السَّمَاءِ.

بیدار باشید که من، پیش از شما می روم و شما در کنار حوض [کوثر] بر من در می آید؛ حوض من در فردای قیامت، همان حوضی است که عرضش به اندازه [فاصله] بُصرا تا صَنعاَت و در آن، جام های سیمین به عدد ستارگان آسمان است!

الا، وَإِنِّي سَأَلُكُمْ غَدًا، مَاذَا صَنَعْتُمْ فِيمَا أَشَهَدْتُ اللَّهَ بِهِ عَلَيْكُمْ فِي يَوْمِكُمْ هَذَا، إِذَا وَرَدْتُمْ عَلَىَ حَوْضِي؟ وَمَاذَا صَنَعْتُمْ بِالثَّقَلَيْنِ مِنْ بَعْدِي؟ فَانظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ خَلَفَتُمُونِي فِيهِمَا حِينَ تَلْقُونِي؟

بیدار باشید! من فردا از شما می پرسم : شما با آنچه امروز خدا را درباره آن بر شما شاهد گرفتم، چه کردید؟ (و این، به گاه ورودتان بر من در کنار حوض [کوثر] است). و پس از من با ثقلین چه کردید؟ پس دقّت کنید که هنگام دیدارم چه پاسخی برای رفتارتان با ثقلین، پس از من دارید؟.»

قالُوا: وَمَا هَذَا النَّقْلَانِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟  
گفتند: ای پیامبر خدا! این دو ثقل چیستند؟

قال: أَمَّا النَّقْلُ الْأَكْبَرُ فِكِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، سَبَبٌ مَمْلُودٌ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي فِي أَيْدِيكُمْ، طَرَفُهُ بِيَدِ اللَّهِ وَالْطَّرَفُ الْآخَرُ بِأَيْدِيكُمْ، فِيهِ عِلْمٌ مَا تَضَى وَمَا يَقِنَ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ وَأَمَّا النَّقْلُ الْأَصْغَرُ فَهُوَ حَلِيفُ الْقُرْآنِ وَهُوَ عَلَىٰ بَنِ أَبِي طَالِبٍ وَعِترَتَهُ، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَىَ الْحَوْضِ.

فرمود: «ثقل بزرگ تر، کتاب خدای عز و جل است که رشته ای کشیده شده از خدا و من تا دستان شماست. یک سرش به دست خدا و سر دیگرش به دستان شماست. در آن، علم گذشته و آینده تا برپا شدن قیامت، موجود است؛ و امّا ثقل کوچک تر، همان همراه همیشگی قرآن، علی بن ابی طالب و عترتش هستند. و آن دو، هرگز از هم جدا نمی شوند، تا در کنار حوض بر من در آیند.»